

فرشته ساری

مقدمه اندکی از خودم ۱۱

شهرزاد پشت چراغ قرمز

نقاش ۱۷

مرثیه ۲۱

تا چند ۲۲

(گزیده اشعار)

و هم شبان ۲۵

گورستان جنگلی ۲۷

دایره ۲۹

فاخته و گلستان ۳۱

کلام ۳۲

وداع ۳۴

شیطون ۳۶

راز ۳۸

ایثار ۴۰

هفتاد و یک لشتنا فسیله

..... ۴۱

..... ۴۳

..... ۴۵

www.entesharatnegah.com تهران - ۱۳۸۷

۸۸	۱ - بیدار - رکنه	۶۲
۹۰	۲ - بیدار - رکنه	۶۵
۹۲	۳ - بیدار - رکنه	۶۵
۹۴	۴ - بیدار - رکنه	۶۵
۹۶	۵ - بیدار - رکنه	۶۵
۱۱	۶ - بیدار - رکنه	۷۵
۱۸	۷ - بیدار - رکنه	۶۵

فهرست

۱۱	مقدمه: اندکی از خودم	۷۵
۱۸	۷ - بیدار - رکنه	۶۵

پژواک سکوت

۱۷	بی کرانه	۶۲
۱۹	نقاش	۵۹
۲۱	مرثیه	۶۹
۲۴	تا چند	۸۹
۲۵	وهم شبانه	۰۷
۲۷	گورستان جنگلی	۲۷
۲۹	نایبنا	۲۷
۳۱	فاخته و گلدان	۵۷
۳۲	کلام	۷۷
۳۴	وداع	۶۷
۳۶	شبیخون	۶۷
۳۸	راز	
۴۰	ایثار	
۴۲	درختان جنگل	۶۸
۴۳	در آینه	۵۸
۴۵	هلهله	

قاب‌های بی‌تمثال

۴۹	جنگ - تابلو ۱
۵۱	جنگ - تابلو ۲
۵۳	جنگ - تابلو ۳
۵۴	جنگ - تابلو ۴
۵۶	جنگ - تابلو ۵
۵۷	جنگ - تابلو ۶
۵۹	جنگ - تابلو ۷
۶۱	آنان
۶۳	درخت
۶۴	زمستان
۶۵	راز
۶۶	میانِ علفزار و ستاره
۶۸	جای خالی تو
۷۰	بالش
۷۲	زورق
۷۳	تنها کفافِ زمستانِ پرنده‌ای
۷۵	رنگ‌ها
۷۷	خران
۷۹	این‌جا

شکلی در باد

۸۳	جشن احیا
۸۵	به جای تو

۸۷	عالم تا شده است
۸۸	سورتمه‌های اندوه آوارگان
۹۰	در غیاب
۹۲	شهرستان عشق
۹۴	بر باد رفته
۹۶	بهار
۹۷	منظر
۹۸	تابوتِ شناور
۱۰۰	صومعه
۱۰۱	تتمه
۱۰۲	لقبِ تو پیش کلاغان
۱۰۵	گرگ و میشِ رؤیا
۱۰۶	ته جیبم
۱۰۷	شکلی در باد
۱۰۸	چه صدایی دارد تسلايش
۱۰۹	گریه‌ی شهریور

تربت عشق و جمهوری زمستان

۱۱۳	جمهوری زمستان
۱۲۱	سنگتراش
۱۲۳	بی‌گاهان
۱۲۵	سمت گمشده
۱۲۷	نشانی
۱۲۸	چهار فصل
۱۳۰	ساعت موعود

۱۷۱ بعد شمعی
۱۷۲ ماه
۱۷۳ پلک‌ها
۱۷۴ و نیز ۱
۱۷۶ و نیز ۲
۱۷۸ و نیز ۳

اشعار سال‌های مختلف

۱۸۳ گردشی در آینده
۱۸۸ صدها سپیدار
۱۹۱ می‌رویم آتش را...
۱۹۳ چند عکس ۳×۴
۱۹۶ کم و بیش
۱۹۷ شعر
۱۹۸ سونامی
۱۹۹ شرم
۲۰۰ هرزنامه

یکی از ما باید به او می‌گفت

۲۰۳ سمفونی چهار فصل
۲۰۵ باغ‌ها
۲۰۶ بی‌خانمان / الحان
۲۰۸ عکس درخت عتّاب
۲۰۹ مهر و گریز
۲۱۱ ترور

۱۳۲ اکنون
۱۳۴ مثل یک روز
۱۳۶ حقیقت صخره‌ها
۱۳۷ میدان‌های تماشا
۱۳۸ گل یا بوج
۱۳۹ حجله‌های باد
۱۴۱ گذرگاه تابناک
۱۴۵ تنهایی
۱۴۷ کوچی گمشده
۱۴۹ فرصت گل سرخ

روزها و نامه‌ها

۱۵۳ روزها ۱
۱۵۵ روزها ۲
۱۵۶ کارت پستال دریا
۱۵۷ بهانه‌ها
۱۵۹ می‌گویند
۱۶۰ تعبیرها
۱۶۱ پاییز
۱۶۲ تابستان
۱۶۳ گنج
۱۶۴ خانه
۱۶۶ شهرزاد
۱۶۹ آرامش و انهداده
۱۷۰ خود را نمی‌دانم

اندکی از خودم

بیست سال از چاپ نخستین مجموعه شعر من — که نخستین کتابم نیز بود — می‌گذرد؛ پژواک سکوت در زمستان ۶۵ چاپ و در بهار ۶۶ منتشر شد.

سرنوشت من در دهه‌ی ۶۰ رقم خورد؛ دهه‌ای که در آن، فضای اجتماعی-فرهنگی-سیاسی بسیار پُر التهاب بود و فقط اگر کسی درون یک غلافِ تمام فلزی می‌زیست، از آن التهابات برکنار می‌ماند.

در ابتدای دهه‌ی ۶۰، هدایتی درونی مرا به راه ادبیات کشاند و از آن دهه، با وجود بسته بودن فضا و همه‌ی آن التهابات بیرونی-درون به کنار، در این نوشتار-با کار و کوشش بسیار گذشتم.

۹ کتاب من حاصل دهه‌ی ۶۰ است؛ ۸ جلد آن، حاصل نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰ و یکی، حاصل نیمه‌ی اول دهه‌ی ۶۰، که بیش‌تر مشغول مطالعه‌ی زبان و ادبیات فارسی، پیش خود، بودم.

من که در دبیرستان و سپس دانشگاه در رشته‌های ریاضی و انفورماتیک درس خوانده بودم و با ادبیات سروکاری نداشتم- با این‌که از

در	۲۱۳
پشت صحنه	۲۱۵
شام	۲۱۶
یکی از ما	۲۱۷
ترفند	۲۱۸
حمله‌ی انتحاری	۲۱۹
آنفولانزای مرغی	۲۲۱
مصیبت‌های نامحسوس	۲۲۲
خط عابر پیاده	۲۲۳
نماهای دور و نزدیک	۲۲۵
توربین‌ها	۲۲۷
چاقو تیزکن	۲۲۸
فصل‌ها	۲۲۹
شهر	۲۳۱

سال اول دبستان، کتابخوان حرفه‌ای بودم - دریای فراخی را برای یادگیری ادبیات فارسی پیش روی خود می‌دیدم که نمی‌دانستم از کدام ساحل آن شروع کنم. از ابتدای دهه‌ی ۶۰، مشغول آموختن ادبیات کلاسیک فارسی، پیش خود، بودم، در کنار آموختن هر آن‌چه که در عرصه‌ی شعر و داستان به کار می‌آمد، در حالی که کارمند تمام‌وقت در رشته‌ای فنی - آمار و انفورماتیک، نیز بودم.

در آن فضای بسته، انرژی من راهی به بیرون می‌جُست و از سال ۶۴ تا ۶۸ در رشته‌ی زبان و ادبیات روسی در دانشگاه تهران درس می‌خواندم و دوره‌ی کارشناسی این رشته را با معدل الف به پایان رساندم تا پنج-شش سال بعد، پس از پنج-شش ترجمه، آن زبان را کنار بگذارم و فقط یادم بماند که چه‌گونه لابه‌لای مرخصی‌های ساعتی و گاه روزانه از سرکار به سر کلاس‌ها می‌رفتم و شب‌ها را با مشق شب و از برکردن متون درسی روسی سپری می‌کردم، در حالی که با نگرانی تمام حیات ذهنی‌ام متوجه شعر و داستان خودم بود.

۴ کتاب از من در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰، منتشر شد: دو مجموعه شعر: چاپ اول «پژواک سکوت» (۶۶) و «قاب‌های بی‌تمثال» (۶۸). «زندگی، خواهر من است»، ترجمه‌ی گزیده‌ای از شعرهای بوریس پاسترناک (۶۹) و چاپ اول رمان «مروارید خاتون» (۶۹).

۵ کتاب دیگر من هم در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰ نوشته یا ترجمه شد که در دهه‌ی ۷۰ چاپ و منتشر شد؛ مجموعه شعر «شکلی در باد» که شعرهای ۶۸ و ۶۹ بود و در سال ۷۰ چاپ شد. رمان «جزیره نیلی» در سال ۷۱ چاپ شد و دو ترجمه برای کودکان و نوجوانان: «هیچ کجا و هیچ وقت» در سال ۷۱ و «آدم آهنی و پروانه» در سال ۷۴ چاپ شد و سرانجام ترجمه

اشعار رسول حمزاتوف که هنوز چاپ نشده است. ترجمه‌ی تعدادی شعر پراکنده هم در مجله‌های فرهنگی و ادبی چاپ شد.

در دهه‌ی ۷۰ از کار ثابت خود استعفا داده بودم و کارهای دوره‌ای داشتم؛ از قبیل پژوهش و ویرایش برای پروژه‌های معماری.

در دهه‌ی ۷۰، افزون بر کتاب‌هایی که حاصل کار در دهه‌ی ۶۰ بود، بیش‌تر کارهایی که در دهه‌ی ۷۰ نوشته بودم نیز، چاپ و منتشر شدند: چهارمین مجموعه شعر من «جمهوری زمستان» آخر زمستان ۷۲ منتشر شد، چاپ اول رمان‌های «آرامگه عاشقان»، «میترا»، «عطر رازیانه» در سال‌های ۷۴، ۷۷ و ۷۸ منتشر شد. «بنفشه‌ای در قطب» ترجمه‌ی مجموعه داستانی برای نوجوانان در سال ۷۶ منتشر شد و «دخترک سه چشم» داستانی برای کودکان، نوشته‌ی خودم، در سال ۷۷ منتشر شد.

دو کار دیگر داشتم که هر دو حاصل سال‌های مختلف دهه‌ی ۷۰ بود و هر دو در سال ۸۱ چاپ و منتشر شدند: مجموعه شعر «روزها و نامه‌ها» و مجموعه داستان «چهره‌نگاری دنیا». در دهه‌ی ۸۰، رمان «پری‌سا» در سال ۸۳ چاپ شد و مجموعه داستان «مرکز خرید خاطره»، داستان‌های ۸۴-۸۱، در سال ۸۶ چاپ و منتشر شد.

ترجمه داستان «جادوگر حواس‌پرت» برای کودکان و نوجوانان که در سال ۸۳ چاپ شد، حاصل کار در اوایل دهه‌ی ۷۰ بوده است.

گزیده‌ای که پیش روی شماست، گزیده‌ای است از هفت مجموعه شعر من؛ که پنج مجموعه‌ی آن تا به حال چاپ و منتشر شده‌اند، گرچه چهار مجموعه شعر من از یک‌ونیم دهه پیش به این سو نایاب بوده و در دسترس خواننده نبوده است. شعرهای دو مجموعه‌ی منتشر نشده‌ی من نیز در این

گزیده آمده است: مجموعه شعر ششم «اشعار سال‌های مختلف» شامل شعرهایی است که از سال ۶۲ به بعد نوشته شده و در مجموعه شعرهای چاپ شده ام نیامده‌اند.

مجموعه شعر هفتم «یکی از ما باید به او می‌گفت» آخرین مجموعه شعر من و شامل شعرهای ۸۵-۸۱ است که هنوز چاپ نشده است.

فرشته ساری

مهرماه ۱۳۸۶، تهران